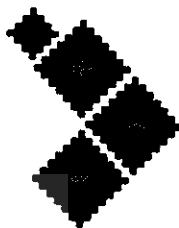




عبدالکریم پاک نیا

## خزیمه بن ثابت یار و قالیدار پیامبر ﷺ



امید آنکه در پیمودن راه سعادت و کمال، روشنگر راهمان باشد.

ابو عماره خزیمه بن ثابت انصاری، از بنی خطمه (تیره‌ای از قبیله اوس و از گروه انصار) است. او که از شجاعان قبیله خود بود، به خاطر پاکی دل و صفای باطن به آیین توحیدی اسلام گروید و در اعتقادات خویش نسبت به ارزشهای الهی در میان خواص اصحاب پیامبر اکرم ﷺ شهرتی بسزا یافت. او یگانه مردی است که حضرت محمد ﷺ شهادت و گواهی او را به جای دو شاهد قرار داد و

آن چنان مهر توام در دل و جان جای گرفت که اگر سر برود از دل و از جان نرود گر رود از پی خوبان دل من معذور است درد دارد چه کند کز پی درمان نرود یکی از شیوه‌های کار آمد برای آشنایی با آموزه‌های مکتب حضرت محمد ﷺ، شناختن اصحاب خاص و یاران راستین آن گرامی است. این قلم سعی دارد در ضمن سلسله نوشتارهایی به این مهم پردازد. در این مرحله، یکی از یاران صدیق و خادمان راستین اسلامی و مروج معارف و حیانی قرآن و اهل بیت ﷺ را به مخاطبان گرانقدر معرفی می‌کنیم، به

می‌داشتند. سنتها را زنده می‌کردند و بدعتها را از بین می‌بردند. دعوت به جهاد شدند و آن را پذیرفتند و به رهبر [خود] اطمینان داشتند و [صمیمانه] از او اطاعت کردند.»

مبارزه با بت‌پرستی و محو آثار آن، کمک در جمع‌آوری قرآن، حضور در مجلس خاتم بخشی علی علیه السلام، روایت حدیث غدیر، سرافرازی در آزمونهای سخت صدر اسلام، حضور مستمر در صحنه‌های نبرد حق و باطل (از بدر تا صفین)، پیشتازی در جبهه‌های فرهنگی کفر و ایمان، درخشش در عرصه هنر، شعر و خطابه، ایستادگی در برابر انحراف رهبری مسلمانان، تربیت فرزندان محذّث و هنرمند و بالاخره اهدای جان در پیشگاه جانان تحت لوای امیر مؤمنان علی علیه السلام، تنها بخشی از صفحات تاریخ زرین و صفات زیبای این راد مرد الهی است.

او را به ذو الشهادتین ملقب نمود.<sup>۱</sup> امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز با تجلیل بی‌نظیر از خزیمه بن ثابت، حزن و اندوه خود را از فقدان این بزرگمرد این گونه ابراز می‌دارد:

«أَيْنَ عَمَّارٍ وَأَيْنَ ابْنِ السَّيِّهَانِ وَأَيْنَ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ وَأَيْنَ نُظْرًاؤُهُمْ مِنْ إِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ تَعَاقَدُوا عَلَى الْمَنِيَّةِ وَأُبْرِدَ بِرُؤُوسِهِمُ إِلَى الْفَجْرَةِ؟<sup>۲</sup> کجاست عمار؟ و کجاست ابن تیهان؟ و کجاست ذو الشهادتین؟ و کجایند همانند آنان از برادرانشان که پیمان جانبازی بستند و سرهایشان را برای ستمگران هدیه فرستادند؟»

آنگاه امیر المؤمنین علیه السلام دست خویش را بر محاسن شریفش کشیده، در فراق این یاران مدتی طولانی اشک می‌ریزد و سپس عادات پسندیده و نیک آنان را بر می‌شمارد: «أَوْهَ عَلَى إِخْوَانِي الَّذِينَ تَلَّوْا الْقُرْآنَ فَأَحْكَمُوهُ وَتَدَبَّرُوا الْفُرْصَ فَأَقَامُوهُ أَحْيَاؤَ السُّنَّةِ وَأَمَاتُوا الْبِدْعَةَ دُعُوا لِلْجِهَادِ فَأَجَابُوا وَوَقَّفُوا بِالْقَائِدِ فَاتَّبَعُوهُ»<sup>۳</sup> دریغا! از برادرانم که قرآن را خواندند و بر اساس آن قضاوت کردند [و] دستوراتش را به کار بستند]. آنان در واجبات الهی اندیشه کرده، آن را به پای

۱. بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲، ص ۱۴۱.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲.

۳. همان.

برای آشنایی بیشتر و بهتر با این چهره درخشان آسمان تشیع و سیمای تابناک اسوه علم و عمل در میان یاران پیامبر اسلام ﷺ، این نوشتار را تحت چهار عنوان به خوانندگان گرامی تقدیم می‌کنیم:

۱. ویژگیهای زندگی؛

۲. در کلام معصومین ﷺ؛

۳. از منظر اهل نظر؛

۴. آثار و فرزندان.

مطمئناً شناخت این چهره‌های ارزشمند، آثار تربیتی و اخلاقی فراوانی را در پرورش نسل جوان و راهنمایی آنان به سوی ارزشهای والای انسانی و الهی به همراه خواهد داشت. ان شاء الله.

۱. ویژگیهای زندگی

الف. چرا لقب ذو الشهادتین؟

در میان عناوین فقهی اسلام، بابی تحت عنوان شهادت و گواهی دادن مطرح است. این باب مربوط به موضوع حقوق متقابل مردم در مسائل مالی و جانی و ناموسی می‌باشد. گواهی دو مرد عادل در احقاق حقوق مالی دیگران را در اصطلاح فقه و

حقوق، شهادت یا بیّنه می‌گویند. داستانی که در ذیل می‌آید، مربوط به اثبات حقوق مالی توسط بیّنه می‌باشد که علمای فقه در زمینه اثبات حکم شرعی برای قاضی، از این روایت بهره می‌گیرند.

امام صادق علیه السلام در این مورد می‌فرماید: «حضرت رسول صلی الله علیه و آله روزی از مرد عربی اسبی خرید. کسانی که با آن حضرت میانه خوبی نداشتند، مرد فروشنده را وسوسه کرده، به او گفتند: اگر این اسب را در بازار بفروشی، به چندین برابر قیمت فعلی از تو می‌خرند. مرد از این سخن تحریک شده، از روی طمعکاری گفت: آیا بروم و معامله را به هم زده، اسب را پس بگیرم؟ گفتند: نه، چنین مکن؛ ولی هنگامی که پیامبر می‌خواهد قیمت را به تو بپردازد، بگو من آن را به این مبلغ فروخته‌ام؛ بلکه به فلان قیمت به تو داده‌ام. او شخص نرم‌خو و صالحی است و آنچه را که ادعا کنی، از تو خواهد پذیرفت.

مرد اسب فروش با این قصد به نزد پیامبر آمد و منکر قیمت قبلی شد.

مردی است که بخاطر صفای باطن و اعتقادات عمیق خویش، از سوی اولین شخص عالم امکان به این لقب نام گرفت و در طول تاریخ تحت همین عنوان درخشش ویژه‌ای یافت.

#### ب. حضور در جبهه‌های نبرد

یکی از ویژگیهایی که به شخصیت خزیمه امتیاز خاصی بخشیده است، حضور مستمر او در جبهه‌های نظامی و مبارزه بی‌امان با کفر و شرک می‌باشد. او مجاهدی است که برای احیای حق و پیروزی اسلام در حدود سی و پنج سال (از بدر تا صفین) در کنار پیامبر اسلام ﷺ و جانشین بلافضل آن حضرت، یعنی امام علی علیه السلام ثابت و استوار مبارزه کرده است. وی کفرستیزی است که هیچگاه از دشمنان خارجی و داخلی امت اسلام غفلت نورزید.

جمال الدین مزنی، صاحب

حضرت فرمود: به خدایی که مرا به پیامبری برانگیخته، به همین مبلغ فروخته‌ای! در این میان خزیمه بن ثابت از راه رسید و از ماجرا سؤال کرد. گفتند: این مرد سخن پیامبر را قبول ندارد. خزیمه خطاب به مرد گفت: ای اعرابی! من شهادت می‌دهم که تو به همین مبلغ که پیامبر می‌گوید، این اسب را فروخته‌ای. اعرابی گفت: هنگام معامله کسی پیش ما نبود! پیامبر صلی الله علیه و آله به خزیمه فرمود: خزیمه! با آنکه تو در هنگام معامله حضور نداشتی، چگونه گواهی می‌دهی؟

خزیمه گفت: یا رسول الله! پدر و مادرم فدای شما باد! ما سخن شما را در امور خیلی مهم و حیاتی مانند: خبر دادن از غیب و خداوند و وحی آسمانی تصدیق کرده، از جان و دل می‌پذیریم. چگونه در قیمت یک اسب تو را تصدیق نکنیم؟!<sup>۱</sup>

بعد از این ماجرا، پیامبر صلی الله علیه و آله

شهادت خزیمه را معادل شهادت دو مرد قرار داد و این چنین بود که خزیمه مفتخر به لقب ذوالشهادتین گردید.<sup>۱</sup> خزیمه بن ثابت انصاری تنها

۱. ر.ک: مستدرک الوسائل، محدث نوری، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۸ ق، ج ۱۷، ص ۳۸۱؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۴۱. (گفتنی است که این داستان با اندکی تفاوت در اکثر کتابهای فریقین موجود است.)

تهذیب الکمال، از نظریه پردازان علم رجال و یکی از دانشمندان برجسته اهل سنت می نویسد: «خزیمه بن ثابت، معروف به ذوالشهادتین، در جنگ بدر و احد و سایر صحنه های نبرد در کنار رسول خدا ﷺ بوده است. وی در روز فتح مکه در میان پرچمداران لشکر اسلام بود و عَلم بنی خَظْمَة را با خود حمل می کرد»<sup>۱</sup>

به اعتقاد بیش تر مورخان، خزیمه در تمام نبردهای پیامبر در کنار آن حضرت حضور فعال داشته است، از جمله در جنگهای بدر، احد، خیبر، موته، فتح مکه. بعد از رحلت رسول الله ﷺ نیز در کنار امام علی علیه السلام ماند و با اصحاب جمل و متجاوزان لشکر شام مبارزه کرد.<sup>۲</sup> او علاوه بر اینکه سمتهای مختلف نظامی را در این صحنه ها به عهده داشت، از هنر شعر و خطابه نیز بهره جسته، لشکر اسلام را با اشعار و سخنان شیوای خود تشویق می نمود و قوت قلب می بخشید.

علامه مجلسی از جنگ خیبر، گزارشی را از زبان ابن عباس نقل می کند که در آن نقش مؤثر خزیمه در

جنگ خیبر به وضوح نمایان است. ابن عباس می گوید: «در نبرد خیبر بعد از آنکه لشکر اسلام به پیروزی رسید و نوبت تقسیم غنائم شد، جبرئیل بر پیامبر ﷺ نازل شده و گفت: «یا محمد ﷺ! خداوند می فرماید: من در این جنگ جبرئیل را به کمک علی علیه السلام فرستادم تا او را یاری کند. به عزت و جلالم سوگند! علی در این جنگ به سوی کفار خیبر سنگی پرتاب نکرد، مگر اینکه به همراه آن جبرئیل نیز سنگی به سوی مشرکین پرتاب نمود؛ پس یا محمد! از غنائم خیبر دو سهم به علی بده: یک سهم برای خودش و سهم دیگر برای همراهی جبرئیل با او.» در این هنگام خزیمه بن ثابت به پا خاسته، اشعاری را در منقبت و توصیف دلاوریهای علی علیه السلام سرود و

۱. ر.ک: تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ج ۸، ص ۲۴۳.

۲. وقعة الصفین، نصر بن مزاحم، کتابخانه آیه الله مرعشی، قم، ۱۴۰۳، ص ۳۶۳؛ اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۳۱۸.

شکستند و عَلمِ جنگ برافراشتند، علی علیه السلام برای دفع شرّ آنان از مدینه به سوی عراق حرکت کرد. جماعتی از انصار نیز در لشکر امیر المؤمنین علیه السلام حضور داشتند. خزیمه بن ثابت یکی از شاخص‌ترین افراد این گروه بود که داوطلبانه برای تثبیت و استقرار حکومت علوی تلاش می‌کرد و برای دفع دشمنان و مخالفین امر ولایت، سر از پانمی‌شناخت. منذر بن جارود که از نزدیک شاهد ورود امام علی علیه السلام و لشکریانش به بصره و رویارویی دو لشکر بوده است، بعد از آنکه شاخص‌ترین یاران امام علیه السلام را توصیف کرد، در مورد حضور خزیمه در جنگ جمل می‌گوید: «آن‌گاه دلاور دیگری را دیدم که در صف لشکریان علی علیه السلام نمایان شد. او که لباسی سفید و عمامه‌ای زرد داشت. شمشیری به گردن آویخته و کمانی را به شانه انداخته بود. او در حالی که بر اسبی اشقر سوار بود و علمی را با خود حمل می‌کرد، در بین لشکریان آن حضرت

برای حاضرین قرائت کرد:  
 وَكَانَ عَلِيٌّ أَرْمَدَ الْعَيْنِ يَبْتَغِي  
 دَوَاءً فَلَمَّا لَمْ يُجَسَّ مُدَاوِيَا  
 شَفَاهُ رَسُولُ اللَّهِ مِنْهُ بِتَفْلِهِ  
 فَبُورِكَ مَرْقِيًا وَبُورِكَ رَاقِيًا  
 وَقَالَ سَأَعطِي الرَّأْيَةَ الْيَوْمَ صَارِهًا  
 كَسِيمًا مُجَبِّبًا لِلرَّسُولِ مُوَالِيًا  
 يُجِبُّ الْإِلَهَ وَالْإِلَهَ يُجِبُّهُ  
 بِهِ يَفْتَحُ اللَّهُ الْخُصُونَ الْأَوْبِيَا  
 «آن‌گاه که چشم علی ناراحت بود  
 و درد می‌کرد، او دنبال دواایی  
 می‌گشت؛ ولی آن را نمی‌یافت.  
 رسول الله با آب دهانش او را شفا  
 داد، آفرین به شفایافته و مرحبا به  
 شفادهنده.  
 پیامبر فرمود: امروز پرچم را به  
 دست دلاور مردی خواهم داد، پهلوانی  
 که عاشق حقیقی رسول الله است.  
 او حقیقتاً خدا را دوست دارد و  
 خداوند هم او را دوست دارد. خداوند  
 به دست او دژهای محکم را  
 می‌گشاید.»

خزیمه در جنگ جمل

هنگامی که ناکثین [عهده‌شکن]

پیمان خویش را با امام علی علیه السلام

پیامبر ﷺ زندگانی کرد، لحظه‌ای از امیر المؤمنین ﷺ جدا نشد. وی بر اساس پیمانی که در حضور پیامبر ﷺ، به‌ویژه در واقعه غدیر با علی ﷺ بسته بود، همچنان تا آخرین لحظه زندگی ثابت‌قدم و استوار باقی ماند و در سخت‌ترین فرازهای تاریخی و در تندبادهای فتنه، خود را نباخت و در وصایت و ولایت امام علی ﷺ ذره‌ای تردید و شک به دلش راه نداد.

#### شورای نظامی

هنگامی که امام علی ﷺ تصمیم گرفت برای دفع شرّ معاویه به سوی شام حرکت کند، برجستگان مهاجر و انصار را که خزیمه بن ثابت انصاری نیز در بین آنها دیده می‌شد، در یک شورای نظامی دعوت کرد و با آنها به گفتگو و رایزنی در مورد جنگ با معاویه پرداخت. امام ﷺ بعد از حمد و ثنای الهی فرمود: «شما فرهیختگان مهاجر و انصار، صاحب رأی و طرفدار حق می‌باشید. ما قصد داریم برای

برجستگی خاصی داشت. پرسیدم این مرد با این تجهیزات جنگی و اراده‌ای مصمم و فولادین، چه نام دارد؟ گفتند: او خزیمه بن ثابت انصاری، معروف به ذوالشهادتین است.»<sup>۱</sup>

وی همچنین می‌افزاید: «آن‌گاه که بنابه عللی امام علی ﷺ پرچم را از محمد حنفیه باز پس گرفت، خزیمه بن ثابت به محضر امام علی ﷺ آمد و گفت: یا امیر المؤمنین! امروز در این موقعیت حساس، محمد حنفیه را سرافکننده نفرمایید و همچنان او را پرچمدار لشکر حق باقی بگذارید. حضرت علی ﷺ خزیمه را دعا کرد و دوباره علم را به دست محمد حنفیه سپرد.»<sup>۲</sup>

این قطعات حساس تاریخی در جنگ جمل، نشانگر نقش فوق‌العاده خزیمه در این صحنه‌های نبرد حق و باطل بوده است و حاکی از استقامت و پایداری او در جبهه حق و در کنار ولی مطلق و مولای متقیان علی ﷺ می‌باشد.

#### حضور در صفین

خزیمه در طول ۲۶ سال که بعد از

۱. ر.ک: مروج الذهب، علی بن حسین مسعودی، چاپ دار الاندلس، ج ۲، ص ۳۵۹.  
۲. ر.ک: همان.

مقابله با دشمن به سوی شام برویم. با ارائه نظرات و راهنمایی‌های خود ما را یاری کنید.»

پس از اینکه مطالبی بین آنان ردّ و بدل شد، سهل بن حنیف به نمایندگی از همه آنان به پا خواسته، گفت: یا امیر المؤمنین! ما تابع محض شما هستیم. با هر کس صلح کنی، ما هم صلح خواهیم کرد و با هر کسی از در جنگ وارد شوی، ما هم می‌جنگیم. رأی ما رأی شماست و هستی ما در اختیار شماست. هرگاه ما را بخواهی، لبّیک خواهیم گفت و اطاعت خواهیم کرد.<sup>۱</sup>

زمانی که امام علی علیه السلام و یارانش برای جنگ صفین حرکت کردند، در نزدیکی منطقه صفین و در نزدیکی دامنه کوهی وقت نماز مغرب رسید. آن حضرت با صدای دلنشین خویش اذان مغرب را گفت. زمانی که اذان تمام شد، پیرمردی با چهره‌ای نورانی و در حالی که موهای سر و صورتش به سفیدی گراییده بود از دامنه کوه ظاهر شده و گفت: «ای امیر مؤمنان! سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد.

مرحبا بر جانشین خاتم پیامبران و رهبر سعادت‌مندان و سرور اوصیای پیامبران! علی علیه السلام پاسخ داد: بر تو باد سلام و درود خدا! حالت چطور است؟ پیرمرد نورانی گفت: «حالم خوب است. من منتظر روح القدس هستم.» سپس افزود: «من کسی را از تو سنگین بالاتر نمی‌دانم. امتحان تو از همه سخت‌تر است و در مقابل، پاداش هیچ کس به اندازه تو نیست و در مقام و مرتبت، کسی به تو نخواهد رسید. ای برادرم! صبر کن و در برابر تمام ناملایمات و سختی‌هایی که به تو می‌رسد، بردباری پیشه ساز، تا به ملاقات دوست بروی.» پیرمرد در حالی که به اهل شام اشاره می‌کرد، اضافه نمود: «اگر این روسیاهان می‌دانستند که چه کیفر و عذابی در جنگ با تو به آنان خواهد رسید و چه عاقبت زشتی خواهند داشت، هر آینه دست از جنگ برداشته، در مقابل تو مقاومت نمی‌کردند.» سپس به اهل عراق و یاران علی علیه السلام اشاره نمود و

۱. وقعة الصفین، ص ۹۲.



فرمان تو کسی سرپیچی نخواهد کرد، جز افراد شقی و بدبخت.» علی رضی الله عنه از آنان تشکر نمود و آنان را دعا کرد.<sup>۱</sup>

در اینجا هم خزیمه بن ثابت به همراه دوستان و هم پیمانان خویش بر وفای به عهد با علی رضی الله عنه تأکید کرده، بر ثبات قدم و استواری در راه حق مجدداً پیمان بست.

#### جبهه نبرد

از آنجایی که خزیمه یکی از رشیدترین مردان مدینه بود، مورخان قطعه‌هایی از حضور او را در خطوط مقدم جبهه‌های نبرد گزارش کرده‌اند. عبد الرحمن بن ابی لیلی می‌گوید: «من در جنگ صفین حضور داشتم. مردی را دیدم که با محاسن سفید خویش در خط مقدم جنگ حضور یافته است. او در حالی که عمامه بر سر بسته و نقابی انداخته بود و به غیر از اطراف محاسن سفید او دیده نمی‌شد، به لشکر معاویه هجوم برده، با شدت تمام می‌جنگید. گفتم: ای شیخ! آیا با مسلمانان این چنین مبارزه می‌کنی؟ او متوجه من

گفت: «و اگر این چهره‌های نورانی و یاران روسفید تو می‌دانستند چه پاداش و ثوابی در اطاعت فرامین تو دریافت خواهند نمود، آرزو می‌کردند که آنان را در راه تو قطعه قطعه کنند. و سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد!»

سپس پیرمرد در همان جای خودش در دامنه کوه از دیده ناپدید شد. بعد از این واقعه، عمار بن یاسر، ابو الهیثم بن التیّهان، ابو ایوب انصاری، عباده بن الصامت، هاشم مرقال و خزیمه بن ثابت انصاری از شیعیان خالص امیر المؤمنین رضی الله عنه با مشاهده این واقعه و شنیدن آن سخنان شیوا و رسا گفتند: «یا امیر المؤمنین! این مرد که بود؟» حضرت فرمود: «او شمعون جانشین حضرت عیسی رضی الله عنه بود. خداوند متعال او را برانگیخت تا مرا در مقاومت و پایداری در جنگ با دشمنان به صبر و تحمل مشکلات توصیه کند.» آنان گفتند: «پدران و مادران ما فدای تو ای جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله! به خدا قسم تو را همانند رسول خدا یاری خواهیم کرد و از

۱. ر.ک: بحار الانوار، ج ۶ ص ۲۳۸.

رهبری امام علی علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام می‌باشد. خزیمه بن ثابت در مراحل مختلف زندگیش، بارها این موضوع را به اثبات رساند و سخت‌ترین تندبادهای فتنه‌ها را با سربلندی و پیروزی پشت سر گذاشت.

#### غیرت دینی

روزی عده‌ای در حضور خزیمه و یارانش از روی جهل و نادانی و یا به خاطر حسد، علیه حضرت علی علیه السلام بدگویی کرده، سخنان ناروایی بر زبان می‌رانند. خزیمه به همراه عده‌ای از یاران خویش، مانند: سلمان فارسی، ابوذر، مقداد بن اسود، عمّار یاسر، ابو هیثم بن تیّهان و عامر بن واثله به حضور پیامبر صلی الله علیه و آله رسیدند. ابو سعید خدری که در آن لحظه در محضر پیامبر بود، می‌گوید: «من در مجلس پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که خزیمه و دوستانش با حالتی غمگین و ناراحت به حضور پیامبر وارد شده، در مقابل آن حضرت نشسته، به گفتگو پرداختند:

- یا رسول الله! پدران و مادران ما

شده نقاب صورتش را کنار زد و به من گفت: من خزیمه بن ثابت انصاری هستم. از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: در کنار علی علیه السلام با تمام کسانی که به جنگ او برخیزند، مبارزه کن.<sup>۱</sup>

آن چنان که از گزارشات تاریخی برمی‌آید، در جنگ صفین خزیمه بن ثابت بعد از عمّار به شهادت رسید. او قبل از شهادت عمّار به طور عادی جنگ می‌کرد؛ اما هنگامی که عمّار به شهادت رسید، او به خیمه آمده، غسل شهادت نمود و سپس با جدّیت فوق العاده راه مبارزه در پیش گرفت و با حملات شهادت طلبانه خویش، مبارزه را تا آخرین نفس ادامه داد و بالاخره در رکاب علی علیه السلام به شهادت رسید.<sup>۲</sup>

بعد از شهادت وی، دخترش ضبیعه با سرودن اشعاری در شهادت پدرش گریست و اهداف بلند او را تشریح نمود.

#### ج. دفاع از حریم ولایت

یکی از مهم‌ترین ویژگیهای شیعیان حقیقی، دفاع از ولایت و

۱. ر.ک: اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۳۱۹.

۲. ر.ک: همان، ص ۳۲۰.

مردان حق بر اهل باطل، مطالبی را مفصلاً به آنان گوشزد نمود و در ادامه به فضایل و مناقب علی رضی الله عنه قبل از تولد و بعد از آن اشاره فرمود و سخنان مبسوطی در فضیلت و برتری اهل بیت علیهم السلام ایراد کرد.

بعد از شنیدن این سخنان، سلمان فارسی و همراهان او - که خزیمه بن ثابت انصاری در میان آنان بود - در حالی که با خوشحالی از محضر پیامبر بلند می شدند، یک صدا می گفتند: ما پیروز و سربلند خواهیم بود. پیامبر فرمود: بلی، شما سعادت مند و سربلند هستید و بهشت برای شما و امثال شما آفریده شده و جهنم برای دشمنان شما و ما آماده شده است.<sup>۱</sup>

#### در جلسه بیعت با علی رضی الله عنه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد مسئله مهم جانشینی خویش بارها اقدام نموده، ولایت و وصایت علی رضی الله عنه را بعد از خویش به مسلمانان گوشزد می کردند و چون عده ای منافق در بین یاران آن حضرت وجود داشت،

فدای تو باد! ما در مورد برادر و پسر عموی شما از عده ای سست ایمان مطالبی می شنویم که شدیداً ما را ناراحت می کند. اجازه فرمایید با آنان برخورد کنیم.

- آنان درباره برادر و پسر عموی علی بن ابیطالب چه می گویند؟

- مثلاً آنان می گویند: «اینکه

علی رضی الله عنه اولین مردی است که به اسلام ایمان آورده، برای او هیچ گونه امتیازی محسوب نمی شود؛ زیرا او در کودکی به دین اسلام گرویده است و این گونه سبقت گرفتن برای او فضیلتی نیست.» و امثال این مطالب را اظهار می کنند.

- آیا این سخن شما را ناراحت کرده است؟

- بلی، به خدا قسم ما از این گونه سخنان غیر منصفانه در مورد مولایمان علی رضی الله عنه ناراحت و دل آزرده هستیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله آن گاه که ناراحتی آنان را دید، برای آنان داستان حضرت ابراهیم و موسی و عیسی علیهم السلام را متذکر شد و تلاشهای اهل باطل را در مبارزه با آنان بیان کرد و سپس در رابطه با تحقق یافتن وعده الهی در پیروزی

۱. ر.ک: بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۱۹-۲۳.

حضرت در جلسات مختلف مسئله مهم ولایت را طرح می فرمودند و برای علی علیه السلام از مسلمانان بیعت می گرفتند. در این زمینه بعضی از روایات را که حاکی از حضور خزیمه بن ثابت در آن جلسات است، در اینجا می آوریم:

### ۱. سلام بر امیر مؤمنان علی علیه السلام

روزی بریده بن حصیب اسلمی به حذیفه بن یمان گفت: «ای پسر یمان! به خدا سوگند! در یک مجلسی که خودم شاهد بودم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به اصحاب خود دستور داد که به علی علیه السلام به عنوان امیر المؤمنین سلام کنند. [او امامت او را بعد از پیامبر به رسمیت بشناسند.] آن روز من و برادرم عمار به همراه پیامبر صلی الله علیه و آله در نخیل بنی نجار بودیم که علی بن ابی طالب علیه السلام به آنجا آمد. او سلام گفت و ما هم جواب دادیم. آن گاه پیامبر گوشه ای را به علی علیه السلام نشان داد و فرمود: ای علی! آنجا بنشین! و او چنین کرد. سپس مردان دیگری از مسلمانان آمدند و پیامبر به آنان امر کرد که به علی علیه السلام به عنوان امیر مؤمنان سلام کنند و آنان

چنین کردند تا اینکه ابو بکر و عمر داخل شدند. پیامبر همان سخن را به آنان یادآور شد. آن دو به عنوان اعتراض گفتند: آیا این فرمان خدا و رسول است؟ حضرت فرمود: آری. آنان نیز چنین کردند. سپس سلمان و ابوذر داخل شدند و پیامبر به آنان نیز همان سخن را فرمود و آنان بدون چون و چرا سخن پیامبر را اجرا کردند. تا اینکه خزیمه بن ثابت و ابو هیثم بن تیهان آمده، سلام گفتند. آنان بعد از شنیدن امر پیامبر صلی الله علیه و آله بدون اینکه حرفی بزنند یا سؤالی بکنند، به علی علیه السلام در حضور پیامبر و یاران به عنوان امیر مؤمنان سلام دادند. سپس سایر مسلمانان از مهاجر و انصار آمدند و طبق دستور پیامبر عمل نمودند.»<sup>۱</sup>

### ۲. حضور در ماجرای غدیر

۲. داستان غدیر خم نقطه عطفی در تاریخ اسلام و اوج ابلاغ رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می رود و همه فرقه ها و گروه های مسلمانان، در اصل

۱. ر.ک: بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۹۲.

### مقاومت در مقابل جبهه نفاق

در احتجاج طبرسی آمده است: زمانی که بعد از رحلت پیامبر ﷺ امواج فتنه‌ها برخاست و جریان ولایت از امیر مؤمنان ﷺ به سوی دیگران منحرف شد، دوازده نفر از بزرگان مهاجر و انصار مصمم شدند که از این انحراف جلوگیری نموده، مسیر رهبری اسلام را به محور واقعی آن، یعنی علی ﷺ منتقل نمایند. امام صادق ﷺ ضمن اشاره به آن واقعه مطالبی فرموده‌اند که ما با تکیه بر گفتار آن حضرت، خلاصه‌ای از آن را که مربوط به موضوع مورد بحث می‌باشد، نقل می‌کنیم: «دوازده نفر از نخبگان مهاجر و انصار (شش نفر آنان از مهاجرین به نامهای خالد بن سعید بن العاص (از بنی امیه)، سلمان فارسی، ابوذر غفاری، مقداد بن اسود کندی، بریده اسلمی، عمار بن یاسیر و شش نفر دیگر از انصار به نامهای ابو هیثم بن التیهان، سهل و عثمان فرزندان حنیف، خزیمه بن ثابت معروف به

این قضیه اتفاق نظر دارند. خزیمه بن ثابت در آن روز به یادماندن نیز فرصت یافت که آن حادثه با عظمت را از نزدیک نظاره کرده، با مولای خویش تجدید عهد نماید و آن واقعه عظیم را به ذهن خود بسپارد. زمان به سرعت سپری شد و روز مظلومیت علی ﷺ رسید. آن حضرت آن روز از مردم مسلمان شهادت خواسته، گواهی طلبید. در حالی که بعضی از اصحاب پیامبر ﷺ آن روز شهادت خود را کتمان کرده، بر روی حقایق مسلم تاریخی پرده نسیان کشیدند، خزیمه بن ثابت در ردیف اولین کسانی بود که با شجاعت و صلابت به واقعه غدیر گواهی داد و بر حقانیت علی ﷺ و خطبه معروف پیامبر تأکید ورزید.<sup>۱</sup> البته اظهار عشق و محبت و بیعت خزیمه با جانشین حقیقی پیامبر، به این موارد ختم نمی‌شود؛ زیرا به شهادت تاریخ، او نه تنها در گفتار و بیعت ظاهری با آن حضرت همراهی می‌نمود، بلکه از هر فرصت به دست آمده استفاده کرده، ارادت خویش را در عمل اثبات می‌کرد.

۱. ر.ک: اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۳۱۸.

تنهایی می پذیرفت و پذیرش شهادت من، نیاز به گواهِ دیگری نداشت؟ گفتند: بلی، [همه از این موضوع اطلاع دارند]. سپس افزود: پس شاهد باشید من از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «اهل بیت من معیار جدایی حق و باطل هستند. و آنان پیشوایانی هستند که شایستگی پیروی دارند.» من آنچه را که شنیده بودم و می دانستم اعلان کردم. «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»<sup>۱</sup> و سپس دیگران به پا خواسته، سخنان خود را مطرح نمودند.<sup>۲</sup>

همچنان که ملاحظه می شود، خزیمه بن ثابت در مبارزه با انحرافات و جریانهای نفاق آمیز، جدیت تمام داشت و با تمام وجود تلاش می نمود. در روایت دیگری آمده است که خزیمه این جمله را نیز افزود: «ای مردم! گواهی می دهم که من از پیامبر شنیدم که فرمود: بعد از من، امام شما علی ﷺ است؛ زیرا او داناترین و

ذو الشَّهادتین، ابی بن کعب و ابو ایوب انصاری) تصمیم گرفتند که در برابر این جریان منحرف ایستادگی نموده، از آن جلوگیری کنند. وقتی با علی ﷺ مشورت نمودند، حضرت آنان را از توسل به زور برحذر داشت و به آنان توصیه کرد که این کار را در پرتو سیره و سخن رسول خدا با دلیل و منطق انجام دهند و آن همه احادیث و گفتار و رفتار پیامبر را به منحرفین گوشزد نمایند. آنان طبق رهنمودهای علی ﷺ از مبارزه مسلحانه دست کشیدند و در روز جمعه به مسجد پیامبر ﷺ رفتند و آن گاه که ابو بکر بر منبر پیامبر ﷺ نشسته بود، آنها در مقابل او نشستند و به گفتگو و مناظره مشغول شدند. آنان هر کدام با منطق و سخنان ویژه ای به احتجاج پرداخته، توصیه های خداوند و پیامبرش را در رابطه با ولایت و جانشینی علی ﷺ بعد از پیامبر ﷺ بیان نمودند.

هشتمین شخص، جناب خزیمه بن ثابت بود. هنگامی که نوبت به وی رسید، به پا خواسته، گفت: ای مردم! آیا می دانید که رسول خدا شهادت مرا به

۱. نور/۵۴.

۲. ر.ک: احتجاج طبرسی، ابو منصور احمد طبرسی، نشر مرتضی، مشهد، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۹۷.

دلسوزترین فرد برای امت من می‌باشد.»<sup>۱</sup>

## ۲. خزیمه در منظر اهل بیت ﷺ

صداقت در گفتار و کردار، استقامت و پایداری در ایمان و عقیده، جان‌نثاری در راه حق، آشنایی با قرآن و حفظ آن و داشتن سایر صفات پسندیده، از جمله عواملی است که خزیمه را در منظر خاندان عصمت و طهارت جایگاه ویژه‌ای بخشیده بود. مقام و منزلت او در نزد پیامبر ﷺ و علی ﷺ بر هیچ‌یک از دانشمندان و مورّخین شیعه و سنی پوشیده نیست. حتی مورّخین متعصب و مخالف نتوانسته‌اند علاقه پیامبر ﷺ و علی ﷺ را به او نادیده بگیرند. ما در اینجا به مواردی از این عشق و علاقه متقابل اشاره می‌کنیم:

خزیمه در نزد پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ از موقعیت خاصی برخوردار بود؛ چنان‌که از داستان گواهی دادن وی برمی‌آید، وی تنها کسی است که پیامبر لقب ذوالشهادتین به او داد. او از این امتیاز در موارد مختلفی، از جمله در مناظره با ابی بکر

و در جمع قرآن و گواهی دادن به حدیث غدیر و غیره به خوبی استفاده می‌کرد. همچنین از بعضی روایاتی که نقل کردیم، معلوم می‌شود که او در ردیف یاران درجه اول پیامبر، همچون سلمان، ابوذر و مقداد بود که حضرت ختمی مرتبت بارها به آنان مژده بهشت داد. در خطبه ۱۸۲ نهج البلاغه، حضرت علی ﷺ از وی به عنوان برادر، قاری قرآن، مطیع فرمان حق، عامل به دستورات شریعت، احیاکننده سنت پیامبر ﷺ، نابودکننده بدعتها و پیرو صمیمی رهبر و مقتدای خویش نام برده و در فراق او و یارانش تأسف می‌خورد و در جدایی آنان اشک می‌ریزد.

امام صادق ﷺ در یک روایتی ضمن شمارش احکام دین و دستورات شریعت اسلام می‌فرماید: «دوست داشتن مؤمنین حقیقی (آنان‌که بعد از پیامبر تغییر عقیده نداده، از راه حق منحرف نشدند)، مانند: سلمان فارسی، ابی ذر غفاری، مقداد بن اسود

۱. ر.ک: معجم رجال الحدیث، سید ابو القاسم خوبی، چاپ پنجم، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۵۱.

۲. شیخ طوسی، خزیمه بن ثابت را از یاران نزدیک پیامبر ﷺ و علی ﷺ به شمار آورده است.

۳. فضل بن شاذان می‌گوید: «او از مسلمانان سابقه‌داری است که بعد از پیامبر ﷺ پیوسته در کنار امیر المؤمنین ﷺ باقی ماند.»<sup>۴</sup>

۴. خیر الدین زرکلی، از دانشمندان اهل سنت، در کتاب الاعلام می‌نویسد: «خزیمه بن ثابت بن فاکه بن ثعلبه انصاری مکنی به ابو عماره از اصحاب پیامبر ﷺ می‌باشد. او در ایام جاهلیت و بعد از ظهور اسلام، از اشراف قبیله اوس و از قهرمانان پیشتاز آن قبیله بوده است. خزیمه که در مدینه سکونت داشت، در روز فتح مکه علمدار بنی خطمه (تیره‌ای از قبیله اوس) بود. او در زمان حکومت علی بن ابی طالب ﷺ زنده بود و به همراه او در جنگ صفین حاضر گردید و در

کندی، عمار بن یاسر، جابر بن عبد الله انصاری، حذیفه بن یمان، ابو هیثم بن تیّهان، سهل بن حنیف، ابو ایوب انصاری، عبد الله بن صامت، عبادة بن صامت، خزیمه بن ثابت معروف به ذو الشهادتین، ابی سعید خدری و کسانی که مثل اینها بوده یا دنباله‌رو آنان باشند، بر همگان واجب است.»<sup>۱</sup>

همچنین شیخ صدوق رحمته الله علیه در عیون الاخبار روایتی را قسریب به این مضمون از حضرت امام رضا رحمته الله علیه نقل می‌کند که در آن روایت هم امام هشتم رحمته الله علیه دوست داشتن خزیمه و یارانش را جزء دین و از مرام اهل یقین و ائمه معصومین رحمته الله علیه می‌داند.<sup>۲</sup>

### ۳. خزیمه در منظر دانشمندان

۱. مرحوم علامه مامقانی بعد از نقل شمه‌ای از فضایل و روایات وارده در مورد خزیمه بن ثابت می‌گوید: «اگر این همه روایات و دلایل در مورد خزیمه نبود، در اثبات عدالت او تنها کلام پیامبر ﷺ کافی بود که او را ذو الشهادتین نام نهاد. بدیهی است که قبول شهادت بدون احراز عدالت میسر نخواهد بود.»<sup>۳</sup>

۱. ر.ک: بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۷.

۲. ر.ک: عیون الاخبار، شیخ صدوق، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق، باب ۳۵.

۳. تفیح المقال، شیخ عبد الله مامقانی، چاپ قدیم، ج ۱، ص ۳۹۸.

۴. همان، ص ۳۹۷.



همان جنگ کشته شد.»

بخاری، مسلم و دیگران در مورد خزیمه بن ثابت در حدود ۳۸ حدیث نقل کرده‌اند.<sup>۱</sup>

۵. جمال الدین المزی، (۶۵۴-۷۴۲ ق)، از شخصیت‌نگاران اهل سنت، در تهذیب الکمال آورده است: «خزیمه بن ثابت از اهالی مدینه و از قبیله خطمه (شاخه‌ای از اوس) می‌باشد. کنیه او ابو عماره و معروف به ذو الشهادتین است. خزیمه در جنگ‌های بدر و اُحُد و بعد از آن در تمام صحنه‌های مبارزه به همراه پیامبر اسلام ﷺ حاضر شده و در روز فتح مکه حضور فعال و چشمگیری داشته است.»<sup>۲</sup>

۶. ابن حجر عسقلانی ضمن اشاره به مطالب یاد شده، می‌نویسد: «او از پیامبر روایاتی نقل کرده است و فرزندش عماره و جابر بن عبد الله انصاری و دیگران نیز از او نقل روایت کرده‌اند. بعد از ظهور دین مبین اسلام، او به همراه عمیر بن عدی بابت پرستی مبارزه می‌کرد و بتها را می‌شکستند. خزیمه در جنگ صفین و در سال ۳۷

بعد از قتل عمّار یاسر کشته شد.»<sup>۳</sup> چنان‌که از اظهار نظر این شخصیت‌های دانشمند - اعم از شیعه و سنی - برمی‌آید، خزیمه بن ثابت در طول ده سال زندگی پیامبر در مدینه، همواره در کنار پیامبر ﷺ و یاران با وفای ایشان بوده و در مواقع حساس و ضروری با تمام وجود از سنگر اسلام حمایت کرده است؛ اما نکته‌ای که در اینجا قابل دقت می‌باشد، این است که عده‌ای از دانشمندان اهل تسنن سعی کرده‌اند تلاش‌های خزیمه را بعد از رحلت پیامبر ﷺ در دفاع از اهل بیت و رهبری علی علیه السلام نادیده گرفته و یا کم‌رنگ جلوه دهند.

#### ۴. فرزندان

خزیمه بن ثابت در طول زندگانی پرافتخار خویش حماسه‌های جاویدانی را آفرید. او علاوه بر

۱. اعلام زرکلی، خیر الدین زرکلی، دار العلم، بیروت، ۱۹۸۰ م، ج ۲، ص ۳۰۵.  
 ۲. تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، ج ۸، ص ۲۴۳.  
 ۳. تهذیب التهذیب، شهاب الدین احمد بن حجر عسقلانی، دار الفکر، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۱۲۶ و ۱۲۷.

اشعاری سروده است که حکایت از آگاهی و فضیلت او دارد. بخشهایی از ترجمه سروده وی چنین است:

«چشمهای من! در فراق خزیمه کشته احزاب با باریدن اشکها به من نیکی کنید. آنان ذو الشهادتین را از روی ظلم و ستم کشتند. او و یارانش در یاری مولای عادل خویش، تا کام مرگ پیش رفتند. خداوند لعنت کند گروهی را که او را به شهادت رساندند و آنان را دچار ذلت و بلاها بگرداند.»<sup>۴</sup>

#### آثار و روایات

خزیمه براساس علاقه‌ای که به نشر و گسترش معارف و احکام شریعت اسلام داشت، یکی از محورهای فعالیت‌های خود را در این زمینه قرار داده بود. او مشتاقانه در محضر پیامبر ﷺ حاضر شده، معارف

فعالیت‌های یاد شده در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، نظامی و فرهنگی، به تربیت و تعلیم فرزندان شایسته‌ای نیز همت گماشت.

عماره، بزرگ‌ترین فرزند وی، در ردیف محدثین محسوب می‌شود و روایات متعددی را در موضوعات حقوق، دعا، تاریخ و... به واسطه پدرش و سایر اصحاب از پیامبر ﷺ نقل نموده است.

در کتاب معرفة الثقات می‌گوید: «عمارة بن خزیمه بن ثابت، مدنی و از تابعین می‌باشد. او مورد اعتماد است.»<sup>۱</sup> ابن حبان در مشاهیر علماء الامصار آورده است: «ابو محمد عمارة بن خزیمه بن ثابت در سال ۱۰۵ درگذشت.»<sup>۲</sup> بخاری در تاریخ الکبیر از فرزند دیگر خزیمه، بنام یزید بن خزیمه روایت نقل کرده است.<sup>۳</sup> نصر بن مزاحم (متوفی ۲۱۲ هـ.ق) در کتاب وقعة الصفین از دختر خزیمه نام برده و اشعاری را از او در رثای پدر بزرگوارش نقل می‌کند. این دختر که ضبیعة بنت خزیمه بن ثابت نام دارد، در شهادت پدرش در جنگ صفین

۱. ر.ک: معرفة الثقات، ابو الحسن احمد عجلی کوفی، مکتبة الدار، مدینه، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۱۶۲.

۲. ر.ک: مشاهیر علماء الامصار، محمد بن حبان تمیمی، دار الوفاء، ۱۴۱۱ ق، ص ۱۱۵.

۳. التاريخ الکبیر، محمد بن اسماعیل بخاری، مکتبة الاسلامیة، دیار بکر، ترکیه، ج ۳، ص ۲۰۷.

۴. وقعة الصفین، ص ۳۶۵.

الهی را فرامی‌گرفت و آن را به دیگران می‌آموخت. اسامی افرادی که از او حدیث فرا گرفته‌اند، در منابع مختلف ذکر شده است. جابر بن عبد الله انصاری، عمارة بن عثمان بن حنیف، عمرو بن میمون ازدی، ابراهیم بن سعد، ابو عبد الله جدلی، عبد الله بن یزید، عبد الرحمن بن ابی لیلی، ابن یسار و دو فرزندش، عمارة بن خزیمه و یزید بن خزیمه از جمله کسانی هستند که از او حدیث آموخته، نقل کرده‌اند.<sup>۱</sup> علامه مجلسی او را در شمار تعداد بسیاری از روایان حدیث غدیر یاد کرده است. علاوه بر حدیث غدیر، دانشمندان علم حدیث روایات متعددی را هم از او در موضوعات مختلفی همچون: تجارت، حقوق، عبادات، مسائل خانواده، احکام حج، موضوعات قرآنی، حدود، آداب معاشرت و سایر زمینه‌ها نقل کرده‌اند. در خاتمه این مقاله اشاره به یک نمونه از روایات خزیمه مناسب می‌نماید:

عَنْ خُزَيْمَةَ بْنِ ثَابِتٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «اتَّقُوا دَعْوَةَ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا تَخْصِلُ عَلَى الْعَمَامِ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأَنْصُرَنَّكَ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ»<sup>۲</sup> خزیمه بن ثابت از رسول خدا ﷺ چنین نقل کرده است: از نفرین مظلوم بترسید، چون که آه و دعای او در روی ابر حمل می‌شود. [و هر لحظه ممکن است اثر آن بر ستمکار فرود آید.] برای اینکه خداوند عزیز و جلیل فرمود: به عزت و جلالم سوگند! تو را یاری خواهم کرد؛ گرچه بعد از مدتی باشد.»

خزیمه بن ثابت، بعد از عمری تلاش و کوشش در راه استقرار حکومت حیات‌بخش اسلام و ایثار و فداکاری در گسترش فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام، در سال ۳۷ هـ ق در جنگ صفین و در رکاب مولایش امیر مؤمنان علی علیه‌السلام جان خویش را فدای اسلام و قرآن نمود و به فیض عظمای شهادت رسید.

۱. ر.ک: تهذیب التهذیب، ج ۳، ص ۱۲۶ و ۱۲۷.

۲. اعیان الشیعة، ج ۶، ص ۳۱۸.